

اشغال افغانستان، فاجعه المناک یک ملت ششم جدی ۱۳۵۸، روزی که افغانستان به اشغال اتحاد شوروی درآمد!



با تغییر و اضافات بر مضمون سال گذشته و اتکاء بر حقایق تاریخی وابسته به این تراژیدی بزرگ انسانی ملت افغانستان

در ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۹ بعد از عید میلاد مسیح، فاجعه المناک اشغال افغانستان، مملکت آزاد و غیر منسلک در قلب آسیا، توسط قوای سفاک اتحاد شوروی ای وقت، مردم جهان را که تا آنوقت اشتباهاً گمان میبردند که در مملکت ما صرف یک کودتای عسکری باعث تغییر و جابجا شدن قدرت گردیده، به نابوری و افسوس فرو برد.

با سپری شدن سی و پنج سال از کودتای منحوس ۷ ثور ۱۳۵۷ که بدون شك سرآغاز تمام بدبختی های خانمان سوز ملت افغانستان و انگیزه بربادی و انهدام بنیادی وطن ما میباشد، به سبب فقدان عدالت اجتماعی و سیاست مصالحه با جنایتکاران حکومت آقای کرزی، همان عمال سرسپرده خلقی و پرچمی که در خوان خیراتی ای ممالک غربی پناه برده و از ترس بازخواست، با خفت در پناه گاههای خویش پنهان گشته بودند، به تدریج دوباره به مملکت جنگ زده ویران سرازیر گردیده اند. امروز افغانستان یگانه مملکت جهان است که جنایتکاران جنگی در آن چون بهشت موعود نه تنها آزادانه و راحت غنوده اند بلکه از برکت امکانات مساعد و سیاست سخیف مصلحت گرایی دولت، حزبی های خاک فروش معلوم الحال به بالا ترین مقام در پارلمان و حکومت و قضاء اخذ موقع نموده و با گارد و تجمل و دبدبه، بر حال زار ملت میخندند.... مگر کبیر رنجبر، نورالحق علومی، اتمر و محمد گلابزوی و امثال آنان، تافته های جدا بافته ای از خاک فروشانی چون ببرک کارمل، اناهیتای راتب زاد، داکتر نجیب، محمود بریالی، دستگیر پنجشیری، حفیظ الله امین و ترکی آموزگار و نابغه بی نظیر خلق بوده اند، یا اینکه از عدم بازخواست و نبود عدالت انتقالی و پالیسی خائن و جاسوس پروری، آنانیکه اشغال افغانستان عزیز را با وطن فروشی آشکارا خیر مقدم گفته و مساعد ساختند، بعد از سقوط طالبان در صدر اکثر مقامات و کارهای مهم مملکت نصب گردیدند. با درد و افسوس که ملت بینوا و زجر کشیده ما که امروز شاهد آن جنایات و مظالم بیحد آنان بودند، اینک سیزده سال دیگر هم ناظر و شاهد قدرت شان میباشد!

بهر حال، بعد از مدت چند ماه که از کودتای منحوس ثور ۱۳۵۷ - ۱۹۷۸ «انقلاب ظفر نمون برگشت ناپذیر» سپری گردید، ترکی خائن، استاد بی نظیر خلق، توسط شاگرد وفادار خویش، حفیظ الله امین که اعمال غیر بشری، منجمله شهادت ۵۰۰۰ هم وطن خاموش و خفته در گور های دسته جمعی وی ثبت تاریخ میباشد، با گذاشتن بالشت بر دهن استاد، به قتل رسید. این سلسله ادامه یافت و کمی بعد تر، حفیظ الله امین، شاگرد وفادار خلق، هم با زهر مسموم شد و مقرش در دارالامان را با داران روس وی به گلوله های ماشیندار حواله نمودند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در چنین احوالی، ببرک کارمل که در شوروی نگهداری میشد، سردمدار گروه وطن فروشان پرچم و سرسپرده وفادار و سابقه دار سفارت شوروی در کابل، شاه شجاع وارو، از ماورای سرحدات شمال به افغانستان صادر گردیده و با «افتخار» بر میله تانک روسی به جمع تیم قاتلان و نسل کشان افغانی هم مسلک خویش، به امرای مسکوی، در شهر کابل ملحق گردید.

هرگز فراموش نمی نمایم که ورود ببرک کارمل به کابل مقارن است با تجاوز وحشیانه و غیر انسانی اتحاد شوروی به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ هجری شمسی مطابق ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ میلادی بر خاک مقدس افغانستان که



در اثر این اقدام سفاکانه، آخرین نمونه های ماشین جنگی و اسلحه مخرب ساخت فابریکه جات روسی، با موافقت اعضای حزب خاک فروش دیموکراتیک خلق، مدت نزدیک به یک دهه به پهنای سرزمین ما، بر ملت مظلوم، بی پناه و شریف افغان از راه هوا و زمین، استعمال گردید که موجبات یکنویم ملیون شهید و ملیون ها زخمی، معیوب و آواره از وطن را بار آورد! ببرک کارمل هم خوشبختانه به دنبال استاد بینظیر و شاگرد وفادار خلق در حبس دور از وطن شکنجه گردید و به خواری و خفت زیاد، به تنهایی و با مرض سرطان در یک کانتینر در حرارت صد درجه به جهنم واصل گردید.

دوران نجیب الله هم علی الرغم تلاش ممتد برای ادامه قدرت و سرسپردگی به روسیه در حال سقوط با مسلمان شدن های مصنوعی و به منبر رفتن های نمایشی وی در اغفال ملت، به ناکامی مطلق بسر آمد و نتیجتاً به دست طالبان راهی دیار عدم شد.

بعد از شکست خجالت آور قوای متجاوز سوسیال امپریالیزم روس در افغانستان که دامنه آن منجر به از هم پاشی خود رژیم و خفت یک ابر قدرت جهانی گردید، مجاهدین برحق افغان مملکت را از سلطه خیانتکاران حزب وطن فروش دیموکراتیک خلق و باداران آنها نجات دادند.

فاجعه اشغال افغانستان جنگ زده که سر آغاز بربادی آنرا نور محمد ترکی و ببرک کارمل به همکاری تیم جنایتکار خود ها رقم زدند، یکی از تاریکترین و طولانی ترین دوره فنا و بربادی و آوارگی یک ملت در روی کره ارض شمرده میشود. افسانه تلخ ملیون ها مهاجر در ممالک همسایه ها و مظالم آنان، داستان رقت بار تخریب شهر ها و «۱۷۰۰» قریه افغانستان که در اثر بمبارمان های مهلك از روی نقشه جهان ناپدید گردید، هزاران طفل افغان که در ماورای سرحدات به فروش رسیدند و صد ها هزار دیگر در داخل با بازی، با آنچه در کشت زار های وطن از هوا می ریخت، هلاک شدند، ملیون ها هموطن مظلوم ما که با مین و راکت و بم، اعضای سالم وجود خویش را از دست دادند، بیشمار طفل و جوان بی سرپرستی که در کوچه و خیابان سرگردان شدند.... و بی حساب قصه و داستان های تلخ دیگری که تاریخ بیشتر از سه دهه ما را هم چنان سیاه و خونبار میسازد.

با کشف تعداد زیادی از گور های دسته جمعی و حالتی که این مظلومین بی دفاع با لباس، دست بسته و مظلوم، خاموشانه زنده به گور گردیده اند، پاسخ هزاران فامیل دردمندی داده میشود که تا سال گذشته انتظار بازگشت عزیزان ناپدید شده خود ها را داشته اند. متأسفانه راپور لست ۵۰۰۰ شهیدان مظلوم و بی کفن که صرف از عصر یکی از سفاکان خاک فروش، یعنی حفیظ الله امین است و از جانب حکومت هالند با تفصیلات منتشر گردید، داغ و درد هزاران فامیل عزیز از دست داده را تازه نمود. عکس ضمیمه قسمتی



از تصاویر اکثراً جوان شهدای این لست خونین را در مرکز کمیون حقوق بشر کابل نشان میدهد که خاموشانه و بی دفاع در سالهای اول حکمروایی آن رژیم سفاک، بیرحمانه به شهادت رسیده اند، در حالی که صدها عضو شناخته شده خلق و پرچم در هر گوشه جهان و افغانستان عزیز آزادانه در گشت و گذار اند.

در پهلوی ستمکاران مرد «ستون پنجم» اتحاد شوروی وقت، زنان اکثراً پرچمی هم در ایجاد تهدید، دهشت و انحراف زنان افغان از وطن پرستی عنعنوی و ایماندار، به ماتریالیزم دیالکتیک، دهریت و وابستگی به افکار مارکس و لینن، نقش بسیار شرم آور و آشکارا داشته اند که از آنجمله سردمدار گروه زنان گمراه کمونیست، اناهیتا راتب زاد را باید به یاد آورد که با عده ای از زنان منحرف مانند خود و سر سپردگان کودتای منحوس

د پاپو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ثور، جامعه زن شریف افغان را به خفت و از هم گسیخته گی سوق دادند. زنان باند پرچم و خلق پایبای مردان، در کشتار ملت مظلوم و بی دفاع ما، وطن فروشی، جاسوسی و ناپدید گشتن هزاران هزار از هموطنان بیگناه افغانستان، جداً به فعالیت و تخریب این سرزمین اشتغال داشتند، که مرگ بر همه آنان باد.

در پایان این داستان غم انگیز یک ملت در خون نشسته، باید افزود که علی الرغم شکست بیشرمانه اتحاد شوروی سابق توسط سرسپردگان مجاهد افغان، عده ای از هم گامان و پیروان آن که با قیافه و لباس دیگری مخفیانه با دولت مذکور در ارتباط دائمی بوده اند مجادله و تلاش مذبحخانه ای در بخشیدن غرامات جنگی افغانستان که تلفات آنرا «بانک جهانی» بالغ بر ۴۵ بلیون دالر آنزمان، تخمین نموده است، داشته اند. «برهان الدین ربانی» که نام سیاه وی از اشغال کابل و غصب مقام ریاست جمهوری و تا وقت مرگ، به نحوه گوناگون صفحات تاریخ افغانستان را لکه دار مینماید، بدون داشتن صلاحیت قانونی، ویرانی بنیادی وطن و خون یک ونیم ملیون شهید مظلوم آنرا با غرامت تجاوز سفاکانه ابر قدرت و ده سال کشتار و آوارگی و بدبختی یک ملت، به طمع ادامه ریاست جمهوری پوشالی، به ولی نعمت خود، «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه فیدرال بخشش نمود!

با تجاوزات مشابه در جریان تاریخ و عواقب و فیصله جات نورم های حقوق بین الدول در مورد آنان، مؤسسات خیریه حقوق بشر سالهاست که اشغال افغانستان را توسط شوروی وقت، دقیقاً تجاوز علنی و جنایت آشکارا بر علیه بشریت و دقیقاً نقض جابرائله حقوق بشر تعین و تثبیت نموده اند، دولت حامد کرزی نه تنها از خاک فروشان خلق و پرچم حق ملت را بازخواست نه نمود، بلکه معضله درخواست غرامات جنگی، حق مسلم مردم مظلوم ما را از روسیه فدرال، هم در بوته فراموشی سپرد و نام سیاه دیگری برای خویش کسب نمود. کی داد و کی گرفت! همانطور که معلوم است از جنگ های افغانستان که چون پرده خونینی از کودتای منحوس ثور آغاز گردیده، اسناد، مدارک و راپور های کاملاً مستند شواهد مظلوم عینی ای بشمار در دسترس است که یکی از آنها همانا «پروژه عدالت یا دادخواهی افغانستان» میباشد که قسمت اول آن جریانات کودتای ۷ ثور را با تمام تفصیلات آن تا هجوم تنظیم های تشنه قدرت جهادی در بر می گیرد. باوجود ممانعت مذبحخانه تدریس تاریخ این دوره خونین افغانستان به شاگردان معارف که دسترسی و مطالعه آن با معرفی دست اندرکاران خاک فروش وطنی آن، مثل خوردن آب آسان می باشد، امسال در بیانیه های مختلفه ای که به مناسبت روز جهانی «حقوق بشر» در افغانستان ایراد گردید، اشاء و نشر «پروژه عدالت افغانستان» نه تنهاها از جانب خانم «سیما سمر» رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان باز هم درخواست شد، بلکه رئیس جمهور «اشرف غنی» هم انتشار این راپور مهم را که دسترسی به آن، حق مردم افغانستان می باشد، منوط به فیصله آن کمیسیون دانست. این پروژه مهم و مستند که از مصاحبه با ۶۰۰۰ افغان شاهد و ناظر جنگ های افغانستان از سر تا سر مملکت با موجودیت ترجمانان لایق تهیه و ذریعه قانون دانان افغان و خارجی تنظیم گردیده است، از وبسایت آن به السنه انگلیسی، پشتو و دری قابل دریافت و مطالعه می باشد: afghanistanjusticeproject.org

چون مضامین وابسته به رویداد های خاص تاریخ افغانستان عزیز لاجرم خاصیتاً تکرار مکررات محسوب میگردد، ولی هر سالی یقیناً تغییرات و اضافاتی نظر به شرائط و پدیده های جدید به آن افزود میگردد، مانند همین داستان تلخ اشغال سرزمین ما توسط اتحاد شوروی سابق و به کمک خاک فروشان معلوم الحال پیرو آن.

با گذشت ۳۵ سال از ششم جدی ۱۳۵۸ «۲۷ دسمبر ۱۹۷۹» باز هم ملت افغان در سر تاسر گیتی، خاطرات جانکاه تجاوز بیشرمانه و غیر بشری سوسیال امپریالیزم روسیه و عواقب ناگوار آنرا تا امروز، به کمک فروخته شدگان وطنی، بیاد آورده و بر روح پر فتوح شهداء و مجاهدین واقعی ای این خطه پاک درود و تهنیت میفرستند.

د پانیو شمیره: له 3 تر3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی